

**قانون موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری
قبرس به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی
در مورد مالیات‌های بر درآمد به انضمام تشریفات (پروتکل) الحاقی**

ماده واحده - موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت
جمهوری قبرس به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار
مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد به انضمام تشریفات (پروتکل) الحاقی،
مشمول بر یک مقدمه و بیست و هشت ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه
مبادله اسناد آن داده می‌شود.

تبصره ۱ - هزینه‌های مالی موضوع بند (۳) ماده (۱۱) موافقتنامه، مجوز
کسب درآمد غیرقانونی از جمله ربا محسوب نمی‌شود.
تبصره ۲ - در اجرای ماده (۲۴) این موافقتنامه رعایت اصول هفتاد و هفتم (۷۷)
و یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران الزامی است.

بسم الله الرحمن الرحيم

**موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قبرس
به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و فرار مالیاتی
در مورد مالیات‌های بر درآمد**

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قبرس که از این پس
دولت‌های متعاقد نامیده می‌شوند، با تمایل به انعقاد موافقتنامه‌ای به منظور اجتناب
از اخذ مالیات مضاعف و فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد به شرح زیر
توافق نمودند:

ماده ۱ - اشخاص مشمول موافقتنامه

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم یکی از دولت‌های متعاقد یا
هر دو آنها باشند.

ماده ۲- مالیات‌های موضوع موافقتنامه

۱- این موافقتنامه در مورد مالیات‌های بردرآمد اعمال می‌شود که صرف‌نظر از نحوه اخذ آنها، از سوی هر دولت متعاقد یا تقسیمات فرعی سیاسی یا مقامهای محلی آنها وضع می‌گردد.

۲- مالیات‌های بر درآمد عبارت است از کلیه مالیات‌های وضع‌شده بر کل درآمد یا اجزای درآمد از جمله مالیات بردرآمد حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیرمنقول، مالیات بر کل مبالغ دستمزد یا حقوق پرداختی توسط مؤسسات و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه

۳- مالیات‌های موجود مشمول این موافقتنامه عبارتند از:

الف- در مورد جمهوری اسلامی ایران:

- مالیات بردرآمد

ب- در مورد جمهوری قبرس:

۱- مالیات بردرآمد

۲- مالیات بردرآمد شرکت

۳- کمک مالی خاص در مورد امور دفاعی جمهوری قبرس و

۴- مالیات بر عواید سرمایه‌ای

۴- این موافقتنامه شامل مالیات‌هایی که نظیر یا در اساس مشابه مالیات‌های موجود بوده و بعد از تاریخ امضای این موافقتنامه به آنها اضافه یا به جای آنها وضع شود نیز خواهد بود. مقامهای صلاحیتدار دولتهای متعاقد ظرف مدت معقولی یکدیگر را از هر تغییر مهمی که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود، مطلع خواهند نمود.

ماده ۳- تعاریف کلی

۱- از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم

دیگری را اقتضاء نماید، معانی اصطلاحات به قرار زیر است:

الف -

۱- اصطلاح «جمهوری اسلامی ایران» به مناطق تحت حاکمیت و یا صلاحیت جمهوری اسلامی ایران اطلاق می‌شود.

۲- اصطلاح «قبرس» به «جمهوری قبرس» اطلاق می‌شود و هرگاه در مفهوم جغرافیایی به کار رود شامل قلمرو ملی، دریای سرزمینی مربوط به آن و همچنین هر منطقه‌ای خارج از قلمرو دریایی از جمله منطقه مجاور، منطقه اقتصادی انحصاری و فلات قاره می‌شود که به موجب قوانین قبرس و مطابق حقوق بین‌الملل به عنوان منطقه‌ای تعیین شده یا خواهد شد که قبرس می‌تواند حق حاکمیت یا صلاحیت خود را در آن اعمال کند.

ب- اصطلاح «یک دولت متعاقد» و «دولت متعاقد دیگر» بنا به اقتضای متن به جمهوری اسلامی ایران یا جمهوری قبرس اطلاق می‌شود.

پ- اصطلاح «شخص» اطلاق می‌شود به:

- شخص حقیقی

- شرکت یا هر مجموعه دیگری از اشخاص

ت- اصطلاح «شرکت» اطلاق می‌شود به هر شخص حقوقی یا هر نهادی که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می‌شود.

ث- اصطلاحات «مؤسسه یک دولت متعاقد» و «مؤسسه دولت متعاقد دیگر» به ترتیب به مؤسسه‌ای که به وسیله مقیم یک دولت متعاقد و مؤسسه‌ای که به وسیله مقیم دولت متعاقد دیگر اداره می‌گردد اطلاق می‌شود.

ج- اصطلاح «حمل و نقل بین‌المللی» به هرگونه حمل و نقل توسط کشتی یا وسائط نقلیه هوایی اطلاق می‌شود که توسط مؤسسه یک دولت متعاقد انجام می‌شود، به استثنای مواردی که کشتی یا وسائط نقلیه هوایی صرفاً برای حمل و نقل بین نقاط واقع در یکی از دو دولت متعاقد استفاده شود.

ج- اصطلاح «مقام صلاحیتدار»:

- در مورد جمهوری اسلامی ایران به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز او اطلاق می‌شود.

- در مورد قبرس به وزیر دارایی یا نماینده مجاز او اطلاق می‌شود.

۲- در خصوص اعمال این موافقتنامه توسط یک دولت متعاقد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، دارای معنای به کار رفته در قوانین آن دولت متعاقد راجع به مالیات‌های موضوع این موافقتنامه است، به جز مواردی که اقتضای سیاق عبارت به گونه‌ای دیگر باشد؛ معانی به کار رفته در قوانین مالیاتی حاکم آن دولت بر معانی اصطلاح مزبور در سایر قوانین آن دولت ارجحیت دارد.

ماده ۴- مقیم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقیم یک دولت متعاقد» به هر شخصی اطلاق می‌شود که به موجب قوانین آن دولت، از حیث اقامتگاه، محل سکونت، محل ثبت، محل مدیریت یا هرگونه معیار دیگر با ماهیت مشابه مشمول مالیات آن دولت باشد و همچنین این اصطلاح شامل آن دولت، تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن خواهد بود. با وجود این، اصطلاح مزبور شامل شخصی نخواهد بود که صرفاً به لحاظ کسب درآمد از منابع واقع در آن دولت مشمول مالیات آن دولت می‌شود.

۲- چنانچه حسب مقررات بند (۱) این ماده شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:

الف- او مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن محل سکونت دائمی در اختیار دارد. اگر او در هر دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد، مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن علایق شخصی و اقتصادی بیشتری دارد (مرکز منافع حیاتی).

ب- هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، یا چنانچه او در هیچ یک از دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا به سر می برد.

پ- هرگاه او معمولاً در هر دو دولت متعاهد به سر برد یا در هیچ یک به سر نبرد، مقیم دولتی تلقی می شود که تابعیت آن را دارد.

ت- هرگاه او تابعیت هیچ یک از دولتها را نداشته باشد و یا چنانچه نتوان براساس بندهای پیشین او را مقیم یکی از دولتهای متعاهد تلقی کرد، موضوع با توافق متقابل مقامهای صلاحیتدار دولتهای متعاهد حل و فصل خواهد شد.

۳- چنانچه شخصی به غیر از شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاهد باشد، آن شخص مقیم دولتی تلقی خواهد شد که محل مدیریت مؤثر وی در آن واقع است.

ماده ۵- مقر دائم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقر دائم» به محل ثابت کسب و کار اطلاق می شود که از طریق آن کسب و کار مؤسسه یک دولت متعاهد کلاً یا جزئاً در دولت متعاهد دیگر انجام می شود.

۲- اصطلاح «مقر دائم» به ویژه شامل موارد زیر است:

الف- محل اداره

ب- شعبه

پ- دفتر

ت- کارخانه

ث- کارگاه

ج- معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، استخراج و یا بهره برداری از منابع طبیعی

۳- کارگاه ساختمانی، پروژه ساخت، سوار کردن یا نصب ساختمان یا فعالیت‌های مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن «مقر دائم» محسوب می‌شوند ولی فقط در صورتی که این کارگاه، پروژه یا فعالیت‌ها بیش از دوازده ماه استقرار یا ادامه داشته باشد.

۴- علی‌رغم مقررات قبلی این ماده اصطلاح «مقر دائم» به موارد زیر اطلاق نخواهد شد:

الف - استفاده از تأسیسات، صرفاً به منظور انبار کردن، نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به مؤسسه

ب- نگهداری موجودی کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه صرفاً به منظور انبارکردن یا نمایش

پ- نگهداری موجودی کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه صرفاً به منظور فرآوری آنها توسط مؤسسه دیگر

ت- نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور خرید کالاهای یا اجناس، یا گردآوری اطلاعات برای آن مؤسسه

ث- نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور انجام تبلیغات و یا تحقیقات علمی برای آن مؤسسه و یا سایر فعالیت‌هایی که برای آن مؤسسه دارای جنبه آماده‌سازی یا کمکی باشد.

ج- نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور ترکیبی از فعالیت‌های مذکور در جزءهای (الف) تا (ث)، به شرط آنکه فعالیت کلی محل ثابت کسب و کار حاصل از این ترکیب دارای جنبه آماده‌سازی یا کمکی باشد.

۵- علی‌رغم مقررات بندهای (۱) و (۲) چنانچه شخصی (غیر از عامل دارای وضعیت مستقل که مشمول بند (۶) است) در یک دولت متعاقد از طرف مؤسسه‌ای فعالیت کند و دارای اختیار انعقاد قرارداد به نام آن مؤسسه باشد و اختیار مزبور را به‌طور معمول اعمال کند، آن مؤسسه در مورد هرگونه

فعالیت‌هایی که این شخص برای مؤسسه انجام می‌دهد، در آن دولت دارای مقر دائم تلقی خواهد شد مگر آنکه فعالیت‌های شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد، که در این صورت آن فعالیت‌ها چنانچه از طریق محل ثابت کسب و کار نیز انجام گیرند به موجب مقررات بند مذکور، این محل ثابت کسب و کار را به مقر دائم تبدیل نخواهد کرد.

۶- مؤسسه یک دولت متعاقد صرفاً به سبب آنکه در دولت متعاقد دیگر از طریق حق‌العمل کار، دلال یا هر عامل مستقل دیگری به کسب و کار می‌پردازد، در آن دولت متعاقد دیگر دارای مقر دائم تلقی نخواهد شد مشروط بر آنکه اشخاص مزبور این کار را در جریان عادی کسب و کار خود انجام دهند. با وجود این، هرگاه فعالیت‌های چنین عاملی به‌طور کامل یا تقریباً کامل به آن مؤسسه تخصیص یافته باشد، چنانچه معاملات بین عامل و مؤسسه در شرایط استقلال انجام نگیرد، او به‌عنوان عامل دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

۷- صرف اینکه شرکت مقیم یک دولت متعاقد، شرکتی را که مقیم دولت متعاقد دیگر است یا در آن به کسب و کار می‌پردازد کنترل می‌کند و یا تحت کنترل آن قرار دارد (خواه از طریق مقر دائم و خواه به‌گونه دیگر) به خودی خود برای اینکه یکی از آنها مقر دائم دیگری محسوب شود، کافی نخواهد بود.

ماده ۶- درآمد حاصل از اموال غیرمنقول

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از اموال غیرمنقول واقع در دولت متعاقد دیگر (از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری) می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

۲- اصطلاح «اموال غیرمنقول» دارای همان تعریفی است که در قوانین دولت متعاهدی که اموال مزبور در آن قرار دارد، آمده است. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیرمنقول، احشام و اسباب و ادوات

مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که مقررات قوانین عام راجع به مالکیت اراضی در مورد آنها اعمال می‌گردد، حق انتفاع از اموال غیرمنقول و حقوق مربوط به پرداخت‌های ثابت یا متغیر در ازای کار یا حق انجام کار، ذخایر معدنی، سرچشمه‌ها و سایر منابع طبیعی از جمله نفت، گاز و معدن سنگ خواهد بود. کشتیها و وسائط نقلیه هوایی به‌عنوان اموال غیرمنقول محسوب نخواهند شد.

۳- مقررات بند (۱) این ماده نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از اموال غیرمنقول جاری خواهد بود.
۴- مقررات بندهای (۱) و (۳) این ماده در مورد درآمد ناشی از اموال غیرمنقول مؤسسه و درآمد ناشی از اموال غیرمنقول مورد استفاده برای انجام خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد شد.

ماده ۷- درآمدهای تجاری

۱- درآمد مؤسسه یک دولت متعاقد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر اینکه این مؤسسه از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاقد دیگر کسب و کار خود را انجام دهد. چنانچه مؤسسه کسب و کار را به طریق مزبور انجام دهد، درآمد آن مؤسسه فقط تا میزانی که مرتبط با مقر دائم مذکور باشد، می‌تواند در دولت دیگر مشمول مالیات شود.

۲- با رعایت مقررات بند (۳) این ماده، چنانچه مؤسسه یک دولت متعاقد از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاقد دیگر به کسب و کار بپردازد، آن مقر دائم در هر یک از دو دولت متعاقد دارای درآمدی تلقی می‌شود که اگر به‌صورت مؤسسه‌ای متمایز و مجزا و کاملاً مستقل از مؤسسه‌ای که مقر دائم آن است به همان فعالیت‌ها یا مشابه آنها در همان شرایط یا شرایط مشابه اشتغال داشت، می‌توانست تحصیل کند.

۳- در تعیین درآمد مقرر دائم، هزینه‌های قابل قبول از جمله هزینه‌های اجرایی و هزینه‌های عمومی اداری تا حدودی که این هزینه‌ها برای مقاصد آن مقرر دائم تخصیص یافته باشند، کسر خواهد شد، اعم از آنکه در دولتی که مقرر دائم در آن واقع شده است انجام پذیرد یا در جای دیگر

۴- چنانچه در یک دولت متعاهد روش متعارف برای تعیین درآمد قابل انتساب به مقرر دائم بر اساس تسهیم کل درآمد مؤسسه به بخشهای مختلف آن باشد، مقررات بند (۲) مانع به کار بردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاهد برای تعیین درآمد مشمول مالیات نخواهد شد. در هر حال نتیجه روش تسهیمی متخذه باید با اصول مندرج در این ماده تطابق داشته باشد.

۵- صرف آنکه مقرر دائم برای مؤسسه جنس یا کالا خریداری می‌کند، موجب منظورداشتن درآمد برای آن مقرر دائم نخواهد بود.

۶- درآمد منظور شده برای مقرر دائم سال به سال به روش یکسان تعیین خواهد شد، مگر آنکه دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.

۷- چنانچه درآمد شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه‌ای دارد، مفاد این ماده خدشه‌ای به مقررات آن مواد وارد نخواهد آورد.

ماده ۸- حمل و نقل بین‌المللی

۱- درآمد حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاهد بابت عملیات کشتیها یا وسائط نقلیه هوایی در حمل و نقل بین‌المللی فقط در آن دولت متعاهد مشمول مالیات خواهد بود.

۲- درآمد حاصل از عملیات کشتیها یا وسائط نقلیه هوایی در حمل و نقل بین‌المللی شامل موارد زیر خواهد بود:

۴- هرگاه مالک منافع سود سهام مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقرر دائم واقع در آن، به کسب و کار بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاقد دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می شود به طور مؤثر مرتبط با این مقرر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این صورت، مقررات مواد (۷) یا (۱۴)، حسب مورد، مجری خواهد بود.

۵- چنانچه شرکت مقیم یک دولت متعاقد، منافع یا درآمدی از دولت متعاقد دیگر تحصیل کند، آن دولت دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد (به جز تا مقداری که این سود سهام به مقیم آن دولت متعاقد دیگر پرداخت شود یا تا مقداری که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می شود به طور مؤثر مرتبط با مقرر دائم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاقد دیگر باشد) و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد کرد، حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده، کلاً یا جزئاً از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت متعاقد دیگر تشکیل شود.

ماده ۱۱- هزینه های مالی

- ۱- هزینه های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده می تواند در آن دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات شود.
- ۲- با وجود این، هزینه های مالی مزبور می تواند در دولت متعاهدی که حاصل شده، طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه دریافت کننده، مقیم دولت متعاقد دیگر و مالک منافع هزینه های مالی باشد مالیات متعلقه از پنج درصد (۵٪) مبلغ ناخالص هزینه های مالی تجاوز نخواهد کرد.
- ۳- اصطلاح «هزینه های مالی» به گونه ای که در این ماده به کار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دینی اعم از آنکه دارای وثیقه و یا متضمن

حق مشارکت در منافع بدهکار باشد یا نباشد، و به‌ویژه درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه شامل حق بیمه و جوایز متعلق به اوراق بهادار، اوراق قرضه یا سهام قرضه مزبور اطلاق می‌گردد. جریمه‌های تأخیر تأدیه از لحاظ این ماده هزینه‌های مالی محسوب نخواهد شد.

۴- علی‌رغم مقررات بند (۲)، هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که توسط دولت متعاقد دیگر، وزارتخانه‌ها، سایر مؤسسات دولتی، شهرداری‌ها، بانک مرکزی و سایر بانکهایی که کلاً متعلق به دولت متعاقد دیگر می‌باشند، کسب می‌شوند، از مالیات دولت نخست معاف خواهد بود.

۵- هرگاه مالک منافع هزینه‌های مالی مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگری که هزینه‌های مالی در آنجا حاصل شده از طریق مقر دائم واقع در آن به کسب و کار پردازد یا در دولت متعاقد دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و مطالبات دینی که هزینه‌های مالی از بابت آن پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر مربوط به این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) اعمال نخواهد شد. در این صورت حسب مورد، مقررات ماده (۷) یا (۱۴) مجری خواهد بود.

۶- هزینه‌های مالی در صورتی حاصل شده در یک دولت متعاقد تلقی خواهد گردید که پرداخت‌کننده خود آن دولت، تقسیم فرعی سیاسی، مقام محلی یا مقیم آن دولت باشد. با وجود این، چنانچه شخص پرداخت‌کننده هزینه‌های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد مقر دائم یا پایگاه ثابتی داشته باشد که در رابطه با آن دینی ایجاد شده است که بابت آن هزینه‌های مالی پرداخت گردیده است و هزینه‌های مالی مذکور برعهده چنین مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت چنین تلقی خواهد شد که هزینه‌های مالی مذکور، در دولت متعاقد محل وقوع مقر دائم یا پایگاه ثابت حاصل شده است.

۷- چنانچه به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ هزینه های مالی با لحاظ مطالبات دینی که بابت آن پرداخت می شود از مبلغی که در صورت نبود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هریک از دولتهای متعاقد با در نظر گرفتن سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۲- حق الامتیازها

۱- حق الامتیازهایی که در یک دولت متعاقد حاصل و به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده، می تواند در آن دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات شود.

۲- با وجود این، حق الامتیازهای مزبور می تواند در دولت متعاهدی که حاصل شده طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه دریافت کننده مالک منافع حق الامتیاز باشد مالیات متعلقه بیش از شش درصد (۶٪) مبلغ ناخالص حق الامتیاز نخواهد بود.

۳- اصطلاح «حق الامتیاز» به گونه مورد استفاده در این ماده به هر نوع وجوه دریافت شده در ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق نسخه برداری از آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلمهای سینمایی و نوارهای رادیویی و تلویزیونی، هرگونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرآیند سری، یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی اطلاق می شود.

۴- هرگاه مالک منافع حق الامتیاز، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که حق الامتیاز حاصل می شود از طریق مقر دائم واقع در آن، به کسب و کار بپردازد، یا در آن دولت متعاقد دیگر از طریق پایگاه ثابت خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که حق الامتیاز نسبت به آنها

پرداخت می شود به طور مؤثری با این مقر دائم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) اعمال نخواهد شد. در این صورت، حسب مورد، مقررات ماده (۷) یا (۱۴) مجری خواهد بود.

۵- حق الامتياز در يك دولت متعاقد در صورتي حاصل شده تلقی خواهد شد كه پرداخت كننده، خود آن دولت، تقسيم فرعی سیاسی، مقامی محلی یا مقیم آن دولت باشد. با وجود این چنانچه، شخص پرداخت كننده حق الامتياز (خواه مقیم يك دولت متعاقد باشد یا نباشد) در يك دولت متعاقد دارای مقر دائم یا پایگاه ثابتی باشد كه حق یا اموالی كه در رابطه با آن حق الامتياز ایجاد شده است به گونه مؤثری با آنها ارتباط داشته باشد و پرداخت چنین حق الامتياز برعهده مقر دائم یا پایگاه ثابت مزبور باشد، حق الامتياز در دولت متعاهدی حاصل شده تلقی خواهد شد كه مقر دائم یا پایگاه ثابت در آن واقع است.

۶- چنانچه به سبب وجود رابطه ای خاص میان پرداخت كننده و مالك منافع یا بین هر دوی آنها با شخص دیگری، مبلغ حق الامتياز كه با در نظر گرفتن استفاده، حق استفاده یا اطلاعاتی كه بابت آنها حق الامتياز پرداخت می شود، از مبلغی كه در صورت نبود چنین رابطه ای بین پرداخت كننده و مالك منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذكر مجری خواهد بود. در این گونه موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هريك از دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده ۱۳- عواید سرمایه ای

۱- عواید حاصل توسط مقیم يك دولت متعاقد از نقل و انتقال اموال غیرمنقول مذکور در ماده (۶) و واقع در دولت متعاقد دیگر، می تواند در آن دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات شود.

۲- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقرر دائم مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر می باشد یا اموال منقول متعلق به پایگاه ثابتی که در اختیار مقیم یک دولت متعاهد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاهد دیگر می باشد، شامل عواید ناشی از نقل و انتقال مقرر دائم (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه) یا پایگاه ثابت مزبور، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می شود.

۳- عواید حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاهد از نقل و انتقال کشتیها یا وسائط نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی یا اموال منقول مرتبط با عملیات این کشتیها یا وسائط نقلیه هوایی فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود.

۴- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال سهام در شرکتی که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) ارزش آن سهام به طور مستقیم از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاهد دیگر حاصل شده است، می تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

۵- عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲)، (۳) و (۴) فقط مشمول مالیات در دولت متعاهدی که انتقال دهنده مقیم آن است خواهد بود.

ماده ۱۴- خدمات شخصی مستقل

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد به سبب خدمات حرفه ای یا سایر فعالیت های مستقل، فقط در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود مگر آنکه این شخص به منظور انجام فعالیت های خود به طور منظم پایگاه ثابتی در دولت متعاهد دیگر در اختیار داشته باشد که در این صورت این درآمد فقط تا حدودی که مربوط به آن پایگاه ثابت باشد، می تواند در دولت متعاهد دیگر مشمول مالیات شود.

۲- اصطلاح «خدمات حرفه‌ای» به‌ویژه شامل فعالیت‌های مستقل علمی، ادبی، هنری، پرورشی یا آموزشی و همچنین فعالیت‌های مستقل پزشکان، مهندسان، کارشناسان، وکلای دادگستری، معماران، دندانپزشکان و حسابداران می‌باشد.

ماده ۱۵- خدمات شخصی غیرمستقل

۱- با رعایت مقررات مواد (۱۶)، (۱۸)، (۱۹) و (۲۰) این موافقتنامه، حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابهی که مقیم یک دولت متعاقد بابت استخدام دریافت می‌دارد فقط در همان دولت مشمول مالیات می‌باشد مگر آنکه اشتغال در دولت متعاقد دیگر صورت گیرد. چنانچه اشتغال بدین گونه باشد، حق‌الزحمه حاصل از آن می‌تواند در آن دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات شود.

۲- علی‌رغم مقررات بند (۱)، حق‌الزحمه حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد بابت اشتغال در دولت متعاقد دیگر فقط در دولت نخست مشمول مالیات خواهد بود، مشروط بر آنکه:

الف- جمع مدتی که دریافت‌کننده در یک یا چند دوره در دولت متعاقد دیگر به‌سر برده است از یکصد و هشتاد و سه روز در دوره دوازده ماهه‌ای که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه می‌یابد تجاوز نکند، و

ب- حق‌الزحمه توسط یا از طرف کارفرمایی که مقیم آن دولت متعاقد دیگر نیست پرداخت شود، و

پ- پرداخت حق‌الزحمه بر عهده مقر دائم یا پایگاه ثابتی نباشد که کارفرما در دولت دیگر دارد.

۳- علی‌رغم مقررات پیش‌گفته در این ماده، حق‌الزحمه پرداختی توسط مؤسسه یک دولت متعاقد بابت استخدام در کشتی یا وسائط نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی فقط در آن دولت متعاقد مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۶- حق الزحمه مدیران

حق الزحمه مدیران و پرداخت‌های مشابه دیگری که مقیم یک دولت متعاقد به لحاظ سمت خود به عنوان عضو هیأت مدیره شرکت مقیم دولت متعاقد دیگر تحصیل می‌نماید، می‌تواند در آن دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات شود.

ماده ۱۷- هنرمندان و ورزشکاران

۱- علی‌رغم مقررات مواد (۱۴) و (۱۵)، درآمدی که مقیم یک دولت متعاقد به عنوان هنرمند، از قبیل هنرمند تئاتر، سینما، رادیو یا تلویزیون، یا موسیقی‌دان، یا به عنوان ورزشکار بابت فعالیت‌های شخصی خود در دولت متعاقد دیگر تحصیل می‌نماید، می‌تواند در آن دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات شود.

۲- چنانچه درآمد بابت فعالیت‌های شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود به آن هنرمند یا ورزشکار تعلق نگیرد و عاید شخص دیگری شود، صرف‌نظر از مقررات مواد (۷)، (۱۴) و (۱۵) آن درآمد می‌تواند در دولت متعاقدی مشمول مالیات شود که فعالیت‌های هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می‌گیرد.

۳- درآمدی که هنرمند یا ورزشکار بابت فعالیت‌های خود در چهارچوب موافقتنامه فرهنگی میان دولتهای متعاقد کسب می‌کند از شمول بندهای (۱) و (۲) مستثنی می‌باشد.

ماده ۱۸- حقوق بازنشستگی

با رعایت مفاد بند (۲) ماده (۱۹)، حقوق بازنشستگی و سایر حق الزحمه‌های مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد به ازای خدمات گذشته فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

ماده ۱۹- خدمات دولتی

۱- حقوق، دستمزد و سایر حق الزحمه‌های مشابه، به استثنای حقوق بازنشستگی، پرداختی توسط یک دولت متعاهد یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن به شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت یا تقسیم فرعی یا مقام فقط در آن دولت متعاهد مشمول مالیات خواهد بود. با وجود این، چنین حقوق، دستمزد و سایر حق الزحمه‌های مشابه چنانچه خدمات در دولت متعاهد دیگر و توسط شخص حقیقی مقیم آن دولت انجام شود، فقط در دولت متعاهد دیگر مشمول مالیات خواهد بود، مشروط بر آنکه آن شخص حقیقی مقیم، تبعه آن دولت متعاهد دیگر بوده، یا صرفاً برای ارائه خدمات مزبور مقیم آن دولت نشده باشد.

۲- هرگونه حقوق بازنشستگی پرداختی توسط یک دولت متعاهد یا از محل صندوق ایجادشده از طرف آن دولت یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن به فردی بابت خدماتی که برای آن دولت یا تقسیم فرعی یا مقام مزبور انجام داده است فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود. با وجود این، چنانچه شخص حقیقی، مقیم و تبعه دولت متعاهد دیگر باشد حقوق بازنشستگی مزبور فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر خواهد بود.

۳- در مورد حقوق و مقرری‌های بازنشستگی بابت خدمات ارائه شده در خصوص فعالیت‌های تجاری که یک دولت متعاهد یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن انجام می‌دهد مقررات مواد (۱۵)، (۱۶)، (۱۷) و (۱۸) مجری خواهد بود.

ماده ۲۰- مدرسان، محصلان و محققان

۱- وجوهی که محصل یا کارآموزی که بلافاصله قبل از حضور در یک دولت متعاهد، مقیم و تبعه دولت متعاهد دیگر بوده، و صرفاً به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت نخست به سر می‌برد، برای مخارج زندگی، تحصیل یا

کارآموزی خود دریافت می‌دارد، در دولت متعاهد نخست مشمول مالیات نخواهد بود، مشروط بر آنکه پرداختهای مزبور از منابع خارج از آن دولت حاصل شود.

۲- همچنین، حق الزحمه دریافتی توسط معلم یا مدرسی که بلافاصله قبل از حضور در یک دولت متعاهد، مقیم و تبعه آن دولت متعاهد دیگر بوده و به منظور تدریس یا انجام تحقیق علمی برای یک دوره یا دوره‌هایی که از دوسال تجاوز نکند در دولت متعاهد نخست به سر می‌برد، در دولت متعاهد نخست از مالیات معاف خواهد بود، مشروط بر آنکه پرداختهای مزبور از منابع خارج از آن دولت حاصل شود. مفاد این بند در مورد حق الزحمه و درآمد حاصل از انجام تحقیقات برای اشخاص و مؤسساتی که دارای اهداف تجاری می‌باشند، مجری نخواهد بود.

ماده ۲۱- سایر درآمدها

۱- اقلام درآمد مقیم یک دولت متعاهد که در مواد قبلی این موافقتنامه مورد حکم قرار نگرفته است، در هر کجا که حاصل شود، صرفاً در آن دولت متعاهد مشمول مالیات خواهد بود.

۲- به استثنای درآمد حاصل از اموال غیرمنقول به گونه‌ای که در بند (۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه دریافت‌کننده درآمد، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر از طریق مقر دائم واقع در آن به کسب و کار بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که درآمد در رابطه با آن حاصل شده است با این مقر دائم یا پایگاه ثابت به گونه مؤثری مرتبط باشد، مقررات بند (۱) مجری نخواهد بود. در این صورت، حسب مورد مقررات ماده (۷) یا (۱۴) اعمال خواهد شد.

ماده ۲۲- آیین حذف مالیات مضاعف

۱- چنانچه مقیم یک دولت متعاقد درآمدی حاصل کند که طبق مقررات این موافقتنامه در دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات شود، دولت نخست اجازه خواهد داد مبلغی برابر با مالیات بردرآمد پرداختی در آن دولت دیگر، از مالیات بردرآمد آن مقیم کسر شود. با وجود این، این گونه کسور نباید از میزان مالیات بردرآمدی که پیش از کسر، به آن درآمد در آن دولت دیگر تعلق می گرفته، بیشتر باشد.

۲- چنانچه طبق هر یک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد در آن دولت از مالیات معاف باشد، دولت مزبور می تواند علی رغم معافیت، در محاسبه مالیات بر باقیمانده درآمد این مقیم، درآمد معاف شده را منظور کند.

ماده ۲۳- عدم تبعیض

۱- اتباع یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر مشمول هیچ گونه مالیات یا الزامات مرتبط با آن، که متفاوت یا سنگین تر از مالیات و الزامات مربوط به آن است که اتباع آن دولت متعاقد دیگر تحت همان شرایط مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علی رغم مقررات ماده (۱)، این مقررات شامل اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاقد نیستند نیز خواهد بود.

۲- مالیاتی که از مقر دائم مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر اخذ می شود نباید در آن دولت متعاقد دیگر از مالیات مؤسسات آن دولت متعاقد دیگر که همان فعالیت ها را انجام می دهند نامساعدتر باشد.

۳- مؤسسات یک دولت متعاقد که سرمایه آنها کلاً یا جزئاً به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مالکیت یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاقد دیگر می باشد، در دولت نخست مشمول هیچ گونه مالیات یا الزامات مرتبط به آن، که متفاوت یا سنگین تر از مالیات و الزامات مربوط به آن است که سایر مؤسسات مشابه در آن دولت نخست مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

۴- به جز در مواردی که مقررات بند (۱) ماده (۹)، بند (۷) ماده (۱۱) یا بند (۶) ماده (۱۲) اعمال می‌شود، هزینه‌های مالی، حق‌الامتياز و سایر هزینه‌های پرداختی توسط مؤسسه یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر به‌منظور تعیین میزان درآمد مشمول مالیات آن مؤسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که چنانچه به مقیم دولت نخست پرداخت شده بود. همچنین هرگونه دین مؤسسه یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر به‌منظور تعیین میزان سرمایه مشمول مالیات آن مؤسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که اگر دین مزبور به مقیم دولت نخست پرداخت می‌شد.

۵- این مقررات به‌گونه‌ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را ملزم نماید که هر نوع مزایای شخصی، بخشودگی و تخفیف مالیاتی را که به‌علت احوال شخصیه یا مسؤولیت‌های خانوادگی به اشخاص مقیم خود اعطاء می‌نماید به اشخاص مقیم دولت متعاقد دیگر نیز اعطاء کند.

ماده ۲۴- آیین توافق دوجانبه

۱- چنانچه مقیم یک دولت متعاقد بر این نظر باشد که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاقد منتج به مالیاتی برای وی شده یا خواهد شد که منطبق با این موافقتنامه نمی‌باشد، صرف‌نظر از طرق احقاق حق پیش‌بینی‌شده در قوانین ملی دولتهای مزبور، می‌تواند اعتراض خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مشمول بند (۱) ماده (۲۳) باشد به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که تبعه آن است، تسلیم نماید. اعتراض باید ظرف مدت سه سال از تاریخ نخستین اطلاع از اقدامی که به اعمال مالیات مغایر با مقررات این موافقتنامه منتهی شده تسلیم شود.

۲- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی خود نتواند به راه حل مناسبی برسد، برای اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمی‌باشد، خواهد کوشید که از طریق توافق متقابل با مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر موضوع را فیصله دهد.

۳- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاقد تلاش خواهند کرد که کلیه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه را با توافق دوجانبه

فیصله دهند. آنها همچنین می‌توانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که در این موافقتنامه پیش‌بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاهد می‌توانند به منظور حصول توافق در مضمون بندهای پیشین، مستقیماً با یکدیگر ارتباط حاصل کنند. مقامهای صلاحیتدار به طریق مشاوره، آیین‌ها، شرایط، روشها و فنون مقتضی را برای اجرای آیین توافق دوجانبه مقرر در این ماده تنظیم خواهند کرد.

ماده ۲۵- تبادل اطلاعات

۱- مقامهای صلاحیتدار دولتهای متعاهد اطلاعات ضروری را برای اجرای مقررات این موافقتنامه یا اجرای قوانین داخلی راجع به مالیات‌های مشمول موافقتنامه تا حدودی که مالیات به موجب آن قوانین مغایر با این موافقتنامه نباشد مبادله خواهند کرد. مفاد ماده (۱) موجب تحدید تبادل اطلاعات مزبور نمی‌شود. هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاهد دریافت می‌شود، با آن به همان شیوه اطلاعات به دست آمده به موجب قوانین داخلی آن دولت به عنوان اطلاعات سری رفتار می‌شود و فقط برای اشخاص یا مقامات از جمله دادگاهها و مراجع اداری که به امر تشخیص، وصول، اجراء یا پیگرد اشتغال دارند، یا در مورد پژوهش‌خواهی‌های مرتبط با مالیات‌های مشمول این موافقتنامه تصمیم‌گیری می‌کنند، فاش می‌شود. اشخاص یا مقامات یادشده، اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنان می‌توانند این اطلاعات را در جریان دادرسی‌های علنی دادگاهها یا طی تصمیمات قضائی فاش سازند.

۲- مقررات بند (۱) در هیچ مورد به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را وادار سازد:

الف- اقدامات اداری مغایر با قوانین و رویه اداری خود یا دولت متعاهد دیگر اتخاذ نماید،

ب- اطلاعاتی را ارائه نماید که طبق قوانین یا در جریان عادی اداری خود یا دولت متعاهد دیگر قابل تحصیل نیست،